

دائرة المعارف جهان زین اسلام

جلد ۱

پ-ز

سر ویبر استار متن انگلیسی

جان ل. اسپوزیتو

ترجمه و تحقیق و تعلیق

زیر نظر

حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی

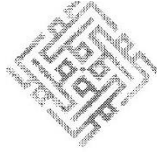


ناشر کتاب عربی



ناشر کتاب عربی

تهران ۱۳۸۸



فهرست همکاران این مجلد

الف- معادلیابی، تنظیم و توضیح مدخلها
نگار نادری

ب- ترجمه مقالات

مهدی افشار	مسعود صادقی علی آبادی
محسن الویری	سیدرضا ظاهری
سیدحسن امین	علی فاطمیان
محمد باقری	محمد فاطمیان
ولی الله بزرگر کلشمی	مهدی فاطمیان
بزرگانیان	سیدمجید قافله باشی
سعید پیشداد	حمیده کوکب
محمد تقی زاده	غلامرضا لایقی
صمد چینی فروشان	سیدعلی مرتضویان
داود حاتمی	ساسان مظاهری
مستوره خضرای	سپیده معتمدی
علی اصغر خندان	مجتبی منشی زاده
شهناز رازپوش	افسانه منفرد
رضا رضازاده لنگرودی	سیدحسین میرحسینی
محمد رفیعی مهرآبادی	نگار نادری
حسین سوزنچی	لیلا هوشنگی

ج- مقابله ترجمه و ویرایش

سپیده معتمدی

نگار نادری

د- ویرایش علمی، تحقیق و تعلیق (هیئت ویراستاری)

حسن طارمی راد
مهدی دشتی

محمد دشتی

ه- مشاور

مرتضی شفیعی شکیب

و- ترجمه کتابشناسی

مستوره خضرای

ز- گزینش و آماده سازی تصاویر

معصومه میرسعیدی

ح- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیه

ط- امور هنری

مسعود نجابتی (طراحی گرافیک) علی لبافی (اجرای هنری و نظارت چاپ)

ی- آماده سازی فنی

سپهلا اسدی باهر (صفحه آرا)
اکرم رضایی (نمونه خوان و ویراستار فنی)

اعظم رمضانپور سبحانی (حروف نگار)
رقیه عبیدی (حروف نگار)

ک- امور اجرایی

وحید وکیل

تشیکیلات بینش ملی اروپا	ہانس توما - ونسکہ	تلویزیون - رادیو و تلویزیون
تشیع	محمد تقی زاده سید حسین م. جعفری، حمید ذبائشی	تمدن تنظیمات
تصوف	علی اصغر خندان وینیاہ سن، چیتیک، جان آ، ؤل، کسازنو آہنسوکو،	تنظیم خانواده
تعدد زوجات	ج. راق، بوہانس علامہ لایفی	تواضع
تعزیر - قانون جزا	حمید ر. کوشا	توبہ
تعزیرہ	سید حسن امین	توحید
تعلیم و تربیت	پیتر چنگورنسکی صد چینی فروشان اکبر احمد، دونالد مالکولم ریڈ، ژوزف س. زیلیوویچ، نعمت حافظہ برزنجی	اتوسعة اقتصادی تونس
تفسیر	افسانہ منقرہ مستخلص میر یلا ہوشنگی	جادو و سحر
تقلید	برنارد جی. ویس محمد تقی زاده	الجماعة السیفیہ
تقوا	احمد شیول محمد فاطمیان	جاهلیت
تقویم اسلامی	ورنون حسین شیول محمد باقری	جیہ آزادی بخش ملی مورو
تقیہ	پل ای. ڈاکر مہدی فاطمیان	جیہ اسلامی ملی - اخوان المسلمین جیہ الانقاذ الاسلامی - جیہ نجات ملی
تکفیر	ابراہیم ی. کاراوان حمیدہ کوکب	جیہ نجات ملی - حزب رفاه جیہ نجات اسلامی
التکفیر و الہجرہ، جماعت	بوہانس جی. جی، یاتسن محمد تقی زاده	جدیدیسیم
تکبہ - تصوف؛ زاویہ		

فرآیندهای تولیدی را تغییر شکل داده، کالاهای جدید ارائه نموده و سطح زندگی در غرب را بالا برده بود. تجارت مسلمانان با خارج از جهان اسلام و حتی تجارت میان کشورهای اسلامی، تا حد زیادی در اختیار اروپاییان قرار داشت که نمایندگان محلی آنها اصولاً از گروههای اقلیت بودند. در جهان اسلام هیچ بانک عمده‌ای وجود نداشت و بیت‌المال آنقدر تهی شده بود که نمی‌توانست بودجه برنامه‌های عظیم توسعه را تأمین کند.

دو قرن بعد برخی کشورهای مسلمان در فهرست بانک جهانی^۴ در ردیف کشورهای پردرآمد قرار داشتند، در حالی که بیشتر کشورهای اسلامی در گروه کشورهای با درآمد متوسط طبقه‌بندی شده بودند. کشورهای مرفه‌تر دارای بانکهای داخلی با سرمایه کافی بودند که آن را در تجارت و گستره وسیعی از سرمایه‌گذاریها به کار می‌انداختند. برخی از این کشورها به سرعت در حال رشد بودند و به طور فزاینده‌ای صنایع متنوعی ایجاد نمودند که در حجم بالایی به غرب صادر می‌شد. بخشهای خصوصی و دولتی این قبیل کشورها به احداث سد، نیروگاههای برق، شبکه ارتباطات و حمل و نقل نوین، شرکتهای صنعتی و کشاورزی، بیمارستانها و برنامه‌های گسترده آموزشی اقدام کردند. در مقابل این پیشرفتهای جهان اسلام برخی کشورهای فقیر را هم شامل می‌شود. حتی فقیرترین کشورهای اسلامی هنوز دستخوش دگرگونیهای ژرف‌اند: در حال حاضر در پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی، سهم کشاورزی در تولید ناخالص

Discussion of Divine Existence and Oneness
Medieval Studies 25 (1963): 338-354.

> «مباحثات کندی درباره وجود و یکتایی خدا» <

۹. ماتریدی، محمد بن محمد. کتاب التوحید، چاپ فتح‌الله خلیف، بیروت ۱۹۷۰.

۱۰. شریعتی، علی. اسلام‌شناسی، مشهد ۱۳۴۷ ش / ۱۹۷۸.

۱۱. شریعتی، علی. درباره جامعه‌شناسی اسلامی، برکلی ۱۹۷۹.

/ تامارا سون /

توسعه اقتصادی^۳. هنگامی که انقلاب صنعتی اروپا آغاز شد، جهان اسلام در آخرین مراحل رکود طولانی مدتی قرار داشت که از حدود قرن ششم / دوازدهم آغاز شده بود. به نظر می‌رسید که روند نزولی با ظهور و اوج‌گیری امپراتوری عثمانی پایان یافته است ولی شکستهای ترکیها در قرون یازدهم و دوازدهم / هفدهم و هجدهم، روشن ساخت که موازنه قدرت به نفع کشورهای در حال صنعتی شدن در اروپای غربی است. نتیجه شکستهای نظامی ترکیها، همانند شکست سایر نیروهای مسلمان، عقب‌ماندگی اقتصادی جهان اسلام نسبت به غرب بود. در آغاز قرن نوزدهم، مسلمانان غالباً با [معضل] بی‌سوادی مواجه بودند، در حالی که در مناطق وسیعی از اروپا آموزش سراسری بالاتراز سطح مطلوب بود. تعداد انگشت‌شماری از مسلمانان به ارزش این مسئله پی برده بودند و حتی تعداد کمتری به دنبال سرمایه‌گذاری در اکتشافات علمی و نوآوریهای سازمانی بودند که

1. Tamara Sonn 2. ECONOMIC DEVELOPMENT

۳. مفهیم توسعه معنای بسیاری دارد. بین توسعه به عنوان یک فرآیند (میزان تغییر) و توسعه به عنوان یک شرط (یا سطح) باید تمایز قائل شد. «توسعه»، یا میزان تغییر را مشخص می‌کند (مثل رشد اقتصادی) و یا به معنای سطح کلی رفاه اقتصادی - اجتماعی و یا برابری اجتماعی به کار می‌رود. هر دو تفسیر، نیازمند تعیین شاخصهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، کیفیت زندگی و نابرابری درآمدها هستند. به‌هرحال، در دیدگاههای عمده اقتصادی، توسعه به معنای رشد اقتصادی است، یعنی رشد تولید که بر پایه شاخصهای استاندارد مانند تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی سنجیده شده و غالباً بر مبنای «سرانه» بیان می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی، رشد و اعتلای مننوی و فرهنگی آحاد مردم، و برقراری عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف مادی، از مهمترین شاخصه‌های پیشرفت و تنالی جامعه به‌شمار می‌رود. امام خمینی (ره) نیز هدف نیایی توسعه را دستیابی جامعه به سعادت و تنالی مننوی می‌دانست. وی غربی شدن و پیروی از آن را مردود می‌شمرد و ضمن انتقاد از سرمایه‌داری، توسعه به معنای افزایش تولید سرانه و صنعتی شدن به شیوه غربی را از ویژگیهای توسعه غیراسلامی می‌دانست. از دید ایشان افراد در کسب ثروت آزادند، اما همواره در برابر خداوند مسئول‌اند. بنابراین، مؤمنان باید در کنار انباشت سرمایه، برای حذف فقر و نابرابری در جامعه بکوشند و نیاز افراد نیازمند را با دادن زکات و تلاش عدالت محرر رفع کنند (برای آشنایی بیشتر: امام خمینی ره، صحیفه نور).

داخلی پایین تر - و در برخی موارد بسیار پایین تر - از ۴۰٪ است.

دگرگونیهای اقتصادی دو قرن گذشته در کشورهای اسلامی، استمرار نداشته و با کشمکش نیز همراه بوده است. در دوره‌های اصلاحات شتابزده، گاهی مقاومتیایی در برابر تحولات نهادی، ادغام در اقتصاد جهانی و توزیع مجدد ذخایر وجود داشته است.

در اوایل قرن سیزدهم/ نوزدهم، با هجوم انبوه کالاهای تولید شده در اروپا به کشورهای اسلامی، ضربه سختی به جهان اسلام وارد شد. ورود کالاهای صنعتی بر سودآوری اصناف صنعتی مختلف، اثر منفی شدیدی بر جای گذاشت. به طوری که برخی از این اصناف در رقابت با کالاهای صنعتی اروپایی به سرعت از پای درآمدند. بیشتر آنها باقی ماندند، اما سهم بازار و نفوذ سیاسی را از دست دادند. به طور کلی، آنها برای رقابت با کالاهای خارجی، خواهان جمع‌آوری و تدوین قوانین برای تقویت قواعد مرسوم شدند. اما عموماً در تغییر روشهای تولیدی و سازماندهی مجدد، به کندی عمل کردند. در چنین شرایطی، فنآوریهای جدید اروپایی عمدتاً به وسیله سرمایه‌گذارانی که خارج از اصناف صنایع سنتی سرمایه‌گذاری کردند، به اقتصاد کشورهای اسلامی وارد شد.

در نیمه دوم قرن سیزدهم/ نوزدهم، صنایع و شرکتیهای تجاری جدید، ابتدا در مراکز عمده شیپری و سپس در سایر مناطق کشور، تأسیس شد. با وجود اینکه هنوز مراکز صنایع دستی مرغوب وجود داشت، اهمیت اقتصادی این صنف به سرعت کاهش یافت. در این فرآیند، اینگونه اصناف به تدریج کارگران ماهر خود را از دست دادند. حتی برخی استادکاران، به گروهی پیوستند که نواحی سنتی فروش صنایع دستی را که در طول سالیان اعتبار کسب کرده بود، ترک کردند تا فروشگامهایی در مراکز اقتصادی جدید تأسیس کنند یا به عنوان کارگر در کارخانه‌های جدیدالتأسیس مشغول به کار شوند.

در این میان، کشاورزی روز به روز صورت تجاری به خود گرفت و برخی محصولات عمدتاً برای صادرات به

اروپا کشت می‌شد. ایریشم در سوریه، لبنان، ترکیه و ایران؛ پنبه در مصر، سوریه و ترکیه؛ شراب در الجزایر و تونس؛ تنباکو در ترکیه، ایران، هند شرقی هلند؛ کائوچو در مالایا و هند شرقی هلند؛ روغن نخل و بادام‌زمینی در آفریقای غربی و مرکزی؛ چای و کف در هند و قیوه در یمن و هند شرقی هلند، عمدتاً با پیشقدمی شرکتیهای تجاری اروپایی به صورت کالای صادراتی اصلی درآمدند. یک نمونه از توسعه محصولات بومی در این دوره، ظهور پرتقال یافا به عنوان کالای صادراتی سودآور در فلسطین بود.

تحولات یاد شده در اقتصاد بخش خصوصی کشورهای اسلامی با تنبیرات انقلابی در قلمرو فمالیت و ویژگیهای دولت، همراه بود. تا قرن نوزدهم، عملکرد اقتصادی دولتهای مسلمان به ندرت از توسعه دادن، ایجاد آبادانی و حمایت از درآمدهای دولت و تلاشهای اندک در توزیع مجدد برای حفظ ثبات اجتماعی، فراتر می‌رفت. دولتها، سرمایه‌گذاری زیربنایی اندکی انجام می‌دادند، طرح‌ریزی اقتصادی را به کار نمی‌گرفتند و بسیاری از موضوعاتی که اکنون جزء وظایف اساسی دولت به حساب می‌آید به اصناف، انجمنهای محلی یا به اختیار و مصلحت‌اندیشی افراد واگذار شده بود. درآمد دولتهای اسلامی عمدتاً از وضع مالیات مستقیم بر زمین تأمین می‌شد، هرچند در زمانها و مکانهای مختلف مبالغ اضافی عمده‌ای از فروش مجوزهای بازرگانی و صنعتی جمع‌آوری می‌کردند. در اواسط قرن سیزدهم/ نوزدهم مناطق وسیعی از جهان اسلام از جمله: هند، اندونزی، مالزی، الجزایر و بخش بزرگی از جنوب صحرای آفریقا زیر سیطره کشورهای اروپایی درآمد. از این رو اقتصاد این مناطق را اروپاییان اداره می‌کردند. در همین سالها در بخشهایی از جهان اسلام که مستعمره نبود، فعالیتهای دولت در زمینه اقتصادی آغاز شده بود. با اصلاحات محمدعلی در مصر (۱۲۲۰-۱۲۶۵ق/ ۱۸۰۵-۱۸۴۹) و تنظیمات در ترکیه (۱۲۵۵-۱۲۹۳ق/ ۱۸۳۹-۱۸۷۶)، دولتهای مستقل و نیمه‌مستقل مسلمان، توسعه صنایع جدید را آغاز کردند؛ روشهای اجرایی، بازرگانی و مالی را

اندکی در جهان اسلام صورت گرفته بود، که تا حدی به دلیل معاهده‌های بین‌المللی بود که از توسعه صنایع دولتهای محلی برای رقابت با شرکتهای خارجی ممانعت می‌کرد. در سالهای جنگ جهانی اول که برخی از دولتهای محلی از کالاهای صنعتی ضروری محروم شدند به تولید جایگزینهای داخلی آنها پرداختند که عموماً با هزینه بالایی صورت می‌گرفت. پس از جنگ، بسیاری از دولتهای مستقل و همچنین برخی دولتهای مستعمره از طریق اعطای یارانه و طرحهای خرید ترجیحی، به توسعه صنایع محلی نوپا ادامه دادند. برجستگی ملی‌گرایی اقتصادی در این دوره، گشایش نخستین بانکها با مالکیت و مدیریت داخلی بود، مانند بانک مصر^۱ در مصر و بانک کار^۲ در ترکیه.

با شروع دوره «رکود بزرگ»، حرکت به سوی خودکفایی شتاب گرفت. تنزل قیمت‌های جهانی محصولات صادراتی سنتی جهان اسلام، دولتهای اسلامی را که با کسری تجاری مواجه شده بودند بر آن داشت تا تعرفه بالایی برای حمایت از صنایع خود برقرار سازند. بسیاری از دولتهای مسلمان در این زمان با هیچ‌گونه محدودیت معاهده‌ای درباره سیاستهای تعرفه‌ای خود مواجه نبودند. افزون بر وضع مقررات تجاری، مدیریت الگوهای مصرف و تخصیص سرمایه‌گذاری میان بخشهای اقتصادی را آغاز کردند. تلاش آنها با گسترش مداخله‌گرایی دولت در امور اقتصادی، در اتحاد جماهیر شوروی و آلمان، هم‌زمان بود.

با ورود تجارت جهانی به مرحله جدیدی از توسعه بعد از جنگ جهانی دوم، صنایع نوپایی که برای جایگزینی واردات تأسیس شده بودند، به‌طور فزاینده‌ای پرهزینه شدند. با این همه اغلب دولتها از طریق ایجاد موانع بزرگ وارداتی، به حمایت از صنایع داخلی ادامه می‌دادند.

بارزترین توسعه اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، پیدایش نفت به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت و درآمد ارزی در عربستان سعودی، کویت، قطر، عمان، امارات متحده عربی، عراق، ایران، الجزایر، لیبی، نیجریه،

تدوین کردند؛ برای کسب درآمد به مالیاتهای غیرمستقیم اتکای فزاینده‌ای پیدا کردند و برای آموزش حرفه‌ای متخصصان و کارکنان دولتی آموزشگاههای عرفی تأسیس کردند. در انجام اصلاحات یاد شده، این دولتها روزبه روز تمرکز بیشتری یافتند.

اصلاح‌گران قرن سیزدهم/نوزدهم دریافتند که توسعه پایدار نیازمند ایجاد زیرساختهای جدید زیادی است. اما آنها منابع مالی و مهارت‌های فنی لازم را برای انجام سرمایه‌گذاریهای عمده در کشور خود نداشتند، بنابراین مبالغ زیادی از سرمایه‌گذاران غربی وام گرفتند و به شرکتهای خارجی متکی شدند. برخی از پروژه‌های بزرگ زیربنایی در این دوره از جمله کانال سوئز، راه‌آهن برلین - بنداد، بنادر احداث شده در پورت‌ساید، بیروت و حیدرآباد، سیستمهای گازرسانی، آبرسانی و برق‌رسانی استانبول، قاهره، بغداد، دمشق و شهرهای دیگر و برخی سیستمهای اولیه آبیاری در مصر، از طریق وجوه استقراض شده و با راهنمایی فنی و مدیریت خارجیان راه‌اندازی شد.

نیمه اول قرن سیزدهم/نوزدهم شاهد تأسیس شرکتهای خصوصی بانکداری غالباً انگلیسی، در شهرهای بزرگ جهان اسلام بود. با افزایش بدهی دولتهای اسلامی، چندین بانک با مشارکت خارجیان در اواسط قرن سیزدهم/نوزدهم وارد صحنه شدند، از جمله بانک عثمانی، بانک مصر و مؤسسه لندن و بنداد.^۱ اندکی پس از آن بانکهای پیشگام اروپایی، شعبه‌های خود را در کشورهای بسیاری افتتاح کردند. ظهور این بانکها، بدهی دولتهای محلی را به شدت افزایش داد. مدت زیادی به طول نینجامید که دولتها یکی پس از دیگری دریافتند که حتی قادر به پرداخت بهره بدهیهایشان نیستند. واکنش معمول اروپاییها، تشکیل کمیسیون بین‌المللی برای رسیدگی به بدهیهای پرداخت نشده بود. برخی کشورها از قبیل ترکیه و ایران با اینکه استقلال مالی خود را از دست دادند، استقلال سیاسی خود را حفظ کردند. سایر کشورها مانند مراکش، تونس و مصر در اشدنال خارجیان بود. تا بعد از جنگ جهانی اول، سرمایه‌گذاری صنعتی

1. London and Baghdad Association

2. Bank İvris

3. İş Bank

برونئی و اندونزی بوده است. هم‌اکنون تمامی این کشورها صادرکنندگان عمده نفت‌اند.

صنعت نفت جهان اسلام در اواخر قرن نوزدهم با اعطای امتیازات انحصاری به شرکتیای نفتی خارجی در ایران و هند شرقی هلند، آغاز به کار کرد. برتری جهانی این صنعت، [برای جهان اسلام، سالها بعد] در اواسط قرن بیستم به دست آمد. در ۱۳۱۹ ش/۱۹۴۰ بالغ بر ۸٪ از تولید نفت جهان متعلق به کشورهای اسلامی بود. در ۱۳۴۹ ش/۱۹۷۰ سهم کشورهای اسلامی به ۴۰٪ افزایش یافت.

قبل از نخستین سالهای دهه ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۰، شرکتیای خارجی که بخش اعظم صنعت نفت جهان اسلام را اداره می‌کردند، طرفدار قوانین مشترکی درباره تولید، بازاریابی و حقوق کشور میزبان بودند. شرکتیای خارجی در عمل به عنوان یک کارتل، پرداخت بازدهی به کشورهای تولیدکننده را محدود ساختند. ویژگی دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ ش/۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، تلاشهای برخی از دولتیای محلی برای ملی کردن [نفت] بود، هرچند عموماً موفق نبودند. از سوی دیگر، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)^۱ در ۱۳۳۹ ش/۱۹۶۰ شکل گرفت تا همکاری میان تولیدکنندگان عمده نفت را در مقابل شرکتیای نفتی تسهیل سازد. اوپک در نخستین دهه حیات خود، منافعی اندک برای اعضای خود فراهم کرد. در ۱۳۴۸ ش/۱۹۷۰ با ظاهر شدن شکافهایی میان کارتل شرکتیای خارجی، نفوذ اوپک بیشتر شد. دهه بعد (۱۹۸۰ م/۱۳۶۰ ش) شاهد دو جهش در قیمت جهانی نفت بود که با حمایت اوپک صورت گرفت: چهار برابر شدن قیمت جهانی نفت در ۱۹۷۳-۱۹۷۴/۱۳۵۲-۱۳۵۳ ش و سه برابر شدن آن در ۱۹۷۹-۱۹۸۰/۱۳۵۸-۱۳۵۹ ش. هر دو افزایش قیمت جهانی نفت به دلیل وقوع حوادث سیاسی در خاورمیانه حاصل شد. نخستین جهش قیمت جهانی نفت، زمانی به دست آمد که سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت (ا.و.ا. پک)^۲ کشورهایی را که در جنگ کشورهای عرب با رژیم اشغالگر قدس در

۱۳۵۲ ش/۱۹۷۳ از اسرائیل حمایت کرده بودند، از جمله ایالات متحده آمریکا، تحریم نفتی کرد. دومین افزایش شدید قیمت جهانی نفت به دنبال وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ ش/۱۹۷۹ و تصمیم حکومت جدید ایران در کاهش شدید تولید نفت صورت گرفت.

افزایش ناگهانی قیمت در دهه ۱۹۷۰/۱۳۵۰ ش، اکتشاف و تولید نفت در خارج از اوپک را تشویق کرد. در نتیجه، سهم اوپک در تولید نفت جهان در ۱۹۹۱ م/۱۳۷۰ ش به ۳۰٪ تنزل یافت، به‌رغم آنکه اوپک حدود ۲/۳ ذخایر اثبات شده نفت جهان را در اختیار داشت. قیمت نفت نیز به سطح قیمت نفت در اواسط دهه ۱۹۷۰ م/۱۳۵۰ ش کاهش یافت. اغلب تحلیل‌گران کاهش یاد شده را به کل اوپک نسبت نمی‌دهند بلکه به تلاشهای عربستان سعودی متناسب می‌نمایند که تولیدکننده بزرگ اوپک است و جهت حفظ ارزش ذخایر وسیع خود به دنبال تضعیف تولید جانشینهای نفت در کشورهای صنعتی غرب بوده است.

جریان درآمد نفت اعضای اسلامی اوپک، برای تأمین مالی برنامه‌های عظیم توسعه اقتصادی به کار رفته است. درآمد نفت، نرخهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در این کشورها به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش داده و دستیابی به فناوری پیشرفته را امکان‌پذیر ساخته است. پیشرفت‌های عمده زیربنایی که در این کشورها روی داده، آنها را قادر ساخته است که به جمعیت خود، خدمات عمومی گسترده و سطح بالایی ارائه دهند. کشورهای کم‌جمعیت که منابع مکمل اندکی دارند، افزون بر آنچه که یاد شد، توانایی سرمایه‌گذاری مبالغ زیادی در بازارهای جهانی را به دست آورده‌اند. اغلب سرمایه‌گذاران این کشورها در اروپا و امریکای شمالی انجام شده است. کشورهایی از جهان اسلام که از نظر منابع نفتی فقیرند به روشهای متعددی از رونق در کشورهای نفت‌خیز بهره‌مند شده‌اند مانند: عواید بالای صادرات، کمک خارجی و ارسال پول توسط کارگران مهمان در کشورهای نفت‌خیز. به موازات اثرهای مثبت اقتصادی بسیاری که درآمد

1. Organization of Petroleum Exporting Countries (O. P. E. C)

2. Organization of Arab Petroleum Exporting Countries (O. A. P. E. C)

ترکیه، تونس، مالزی، اندونزی و کویت به بیشترین افزایش در صادرات صنعتی دست یافتند.

هرچند شرکت‌های کوچک متعلق به یک خانواده در تمامی کشورهای اسلامی متداول است ولی ساختار مالکیت در صنایع نشان‌دهنده انجام برخی تغییرات است. در ترکیه، پاکستان، هند و لبنان، بسیاری از شرکت‌های بزرگ متعلق به مجتمعات تولیدی خصوصی بسیار متنوع است؛ سایر شرکتها، دولتی هستند. در بیشتر کشورهای اسلامی دیگر، شامل اغلب کشورهای صادرکننده نفت، تقریباً تمامی شرکت‌های بزرگ در مالکیت دولت قرار دارند. تنها چند کشور اسلامی، مالکیت خارجی را مجاز شمرده‌اند ولی اغلب کشورهای اسلامی فقط سرمایه‌گذاری مشترک را مجاز دانسته‌اند. سرمایه‌گذاری مشترک میان کشورهای عرب، به دو شکل خصوصی و دولتی؛ از دهه ۱۹۷۰م/ ۱۳۵۰ش به طور فزاینده‌ای متداول شده است.

با نزدیک شدن به [سالهای] پایانی قرن بیستم، پیشرفت‌های اقتصادی جهان اسلام، قطعاً تصویر مختلفی را ارائه می‌دهد. کشورهای نفت‌خیز مانند عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، لیبی و برونی به درآمدهای سرانه‌ای دست یافته‌اند که آنان را در ردیف کشورهای پردرآمد جهان قرار می‌دهد. اغلب دولتهای باقیمانده عرب و همچنین چهار کشور دیگر اسلامی، ترکیه، ایران، آلبانی و مالزی در ردیف کشورهایی با درآمد متوسط جای گرفته‌اند. از میان هشت کشور که بیشترین تعداد مسلمانان را دارند هنوز شش کشور - هند، اندونزی، پاکستان، بنگلادش، نیجریه و مصر - در ردیف فقیرترین کشورهای جهان قرار دارند. این وضعیت در مورد چند کشور اسلامی کوچک یا دولتهای نیمه‌مسلمان آفریقا و آسیا صادق است. امید به زندگی در بدو تولد در اردن، لبنان، ترکیه، تونس، الجزایر، مالزی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، برونی بیش از ۶۵ سال است، در حالی که در افغانستان، یمن و چندین کشور بزرگ اسلامی در جنوب صحرای آفریقا، زیر ۵۰ سال باقی مانده است. باسواد بزرگسالان در ترکیه، لبنان

نفت برای کشورهای اسلامی به دنبال داشت، رونق نفت برخی پیامدهای منفی نیز برای کشورهای صادرکننده نفت به همراه داشته است. تولید سایر کالاهای تجاری در سطح بین‌المللی از جمله کالاهای کشاورزی، رو به کاهش نهاده است. افزایش دستمزدها، از عواید بهره‌وری پیشی گرفته، از این رو صنعتی شدن داخلی از سودآوری افتاده است. مشارکت نیروی کار زنان کاهش یافته و باعث افزایش نرخ باروری شده است. با تمرکز سرمایه‌گذاریهای داخلی تمامی کشورهای صادرکننده نفت در صنایعی که تقاضای آنها از قیمت بالای انرژی آسیب می‌بیند - مانند پتروشیمی، تصفیه آلومینیم، کارگاههای تعمیرکشتی - بخش زیادی از ظرفیت موجود بدون استفاده باقی مانده است. یارانه‌های وسیع دولت به افراد، تلاش کاری و همچنین انگیزه دستیابی به مهارتهای قابل فروش در بازار را اساساً کاهش داده است.

در اواسط دهه ۱۹۸۰م/ ۱۳۶۰ش، این تأثیرات معکوس همراه با درآمدهای نفتی در حال تنزل، بسیاری از صادرکنندگان نفت را بر آن داشت تا به دنبال متنوع نمودن اقتصاد خود و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی باشند. اینگونه سیاستها قبلاً در بسیاری از کشورهای اسلامی که منابع نفتی کمی داشتند مانند مالزی، ترکیه و مصر به اجرا درآمده بود. در این کشورها، اصلاحات بازار شامل آزادسازی تجارت خارجی عموماً بحران موازنه پرداختها را به دنبال داشت. سوق دادن اقتصاد به سمت اقتصاد بازار با ظهور کشورهای آسیای [جنوب] شرقی که از طریق اتخاذ سیاستهای رشد اقتصادی مبتنی بر توسعه صادرات به صورت یک نیروگاه اقتصادی درآمدند و همچنین به سبب تعمیق بحران اقتصادی بلوک شوروی تقویت گردید.

به طور کلی آزادسازی و خصوصی‌سازی به آهستگی پیش رفته است، به دلیل آنکه در کشورهای نفت‌خیز و همچنین در کشورهای دارای منابع نفتی اندک تا حدی، اصلاحات با مقاومت شدید از سوی کارمندان دولت، گروههای کارگری و صندنگرانی که مدت مدیدی به حمایت عادت کرده بودند، مواجه گردید. کشورهای

و اردن بالای ۸۰٪ [ایران ۸۴٪] و در بقیه کشورهای پردرآمد و با درآمد متوسط مسلمان بالای ۵۰٪ قرار دارد. در کشورهای اسلامی فقیر نرخ باسوادی بین ۲۰ تا ۵۰٪ است.

در درون هر یک از کشورهای اسلامی، نابرابریهای خاصی با توجه به معیارهای جهانی مکرراً به طور رسمی اعلام شده است. توزیع درآمد و ثروت، در اغلب کشورهای اسلامی به دلیل تفاوتیهای موجود در مالکیت زمین، نابرابری در دسترسی به آموزش، و در برخی موارد، وجود نظامیهای توزیع ناکارآمد، کاملاً نابرابر است. در اغلب کشورهای بزرگ مسلمان، نابرابریهای شدیدی میان مناطق و میان شهرها و حومه شهرها به چشم می‌خورد. سرانجام از نظر سن و جنسیت نابرابریهای قابل توجیهی وجود دارد. در حالی که در اغلب مناطق دنیا، امید به زندگی در بدو تولد و نرخ زنده ماندن کودکان به طور قابل ملاحظه‌ای برای زنان بالاتر از مردان است، در برخی از بخشهای جهان اسلام مانند بنگلادش، هند و پاکستان این نرخها برای زنان پایین‌تر است. در برخی از کشورهای اسلامی، در کسب آموزش برحسب سنوات آموزش مردان بر زنان به میزان ۵۰٪ پیشی گرفته‌اند، هرچند فاصله میان آموزش، زنان و مردان به سرعت در حال کاهش بوده است.

آرمانها، انتظارات، اولویتها و ادراکاتی که جهت‌گیری توسعه جهان اسلام را از قرن سیزدهم / نوزدهم به بعد تقویت کرده است، تا حد زیادی به واسطه تعامل با غرب شکل گرفته است، هرچند حساسیتهای داخلی، سنتیهای فکری و شرایط سیاسی هرگونه اصلاح واقعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در اواخر قرن چهاردهم / نیمه دوم قرن بیستم، تلاشیهای جهت انجام تحولات اقتصادی در جهان اسلام بر اساس اصول اسلامی خودآگاهانه صورت گرفته است. برخی کشورها، از همه چشمگیرتر ایران و پاکستان، سعی کرده‌اند بهره را حذف کنند و طرحهای اسلامی را برای توزیع مجدد به اجرا در آورند. اما احتمالاً اینگونه تلاشها تأثیر عمده‌ای بر شاخصهای کلیدی توسعه نداشته است. [توسعه و نوآوری؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ذیل «توسعه»]

منابع:

1. Askari, Hossein, and John Thomas Cummings. *The Middle East Economies in the 1970s: A Comparative Approach*. New York 1976.
> اقتصادهای خاورمیانه در دهه ۱۹۷۰: یک رویکرد تطبیقی؛ این اثر موضوعات نفت، کشاورزی، صنعت، نیروی انسانی، تجارت و دولت را در خاورمیانه مورد بررسی قرار داده است.
2. Baer, Gabriel. *Egyptian Guilds in Modern Times*. Jerusalem 1964.
> اصناف مصری در دوران مابصر؛ ساختار، عملکرد و تاریخچه اصناف مصری.
3. Furnivall, John S. *Netherlands India: A Study of Plural Economy*. Cambridge 1939.
> هند هلند: مطالعه اقتصاد متکثر؛ پرداختی مبسوط به اقتصاد سیاسی اندونزی در دوره استعمار.
4. Gelb, Alan, et al. *Oil Windfalls: Blessing or Curse?*. New York 1988.
> ثروتیهای بادآورده نفتی: نعمت یا مصیبت؟؛ تحلیل تطبیقی آثار افزایش بیای نفت در کشورهای تولیدکننده؛ شامل موردپژوهی الجزایر، اندونزی و نیجریه.
5. Hansen, Bent. *The Political Economy of Poverty, Equity, and Growth: Egypt and Turkey*. Oxford 1991.
> اقتصاد سیاسی فقر، برابری و رشد اقتصادی: مصر و ترکیه؛ مباحث این اثر دوران بین دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۹۰ را در بر می‌گیرد.
6. Helleiner, Gerald. *Peasant Agriculture, Government, and Economic Growth in Nigeria*. Homewood, Ill., 1966.
> کشاورزی روستایی، دولت و رشد اقتصادی در نیجریه؛ این اثر آمار و تحلیل تاریخی سالیهای ۱۹۰۰-۱۹۶۴ را با تأکید بر سالیهای ۱۹۴۵-۱۹۶۴ ارائه می‌کند.
7. Hershlag, Zvi Y. *Introduction to the Modern Economic History of the Middle East, 2d ed.* Leiden 1980.
> مقدمه‌ای بر تاریخ اقتصاد نوین خاورمیانه؛ کتاب، اقتصاد قرن نوزدهم و بیستم را بررسی کرده و بر صنعتی شدن و الگوهای تجاری تأکید دارد.
8. Hershlag, Zvi Y. *The Contemporary Turkish Economy*. London, 1988.

- تلاشهای انجام گرفته برای آزادسازی تجارت خارجی در اندونزی، پاکستان و ترکیه.
17. Richards, Alan, and John Waterbury. *A Political Economy of the Middle East: State, Class, and Economic Development*. Boulder 1990.
- «اقتصاد سیاسی خاورمیانه: حکومت، طبقه و توسعه اقتصادی»؛ تحلیل درگیرینهای درون‌گروهی و تبعات آن برای دولت‌ها و اقتصادها.
18. Stewart, Charles F. *The Economy of Morocco, 1912-1962*. Cambridge 1964.
- «اقتصاد مراکش، ۱۹۱۲-۱۹۶۲»؛ یک بررسی کلی که کشاورزی، استخراج منابع، تولید و زیربنای اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دهد.
19. Tuma, Elias H. *Economic and Political Change in the Middle East*. Palo Alto Calif., 1987.
- «تحول سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه»؛ این اثر ابعاد گوناگونی از توزیع درآمد را از حیث تطبیقی و تاریخی در بر می‌گیرد.
- / تیمور کوران و جفری ب. ناجنت /
- تونس^۳. تقریباً از اوان ترویج اسلام در تونس، اکثر مسلمانان تونس همانند سایر مردمان مغرب، سنی‌های مالکی مذهب‌اند که ریشه آن به مکتب مالک بن انس در قرن دوم بازمی‌گردد. با وجود این برخی از سلسله‌های مختلف تونسی یا بیگانه که بر تونس حکم رانده‌اند، عقاید دینی متفاوتی داشته‌اند. خاندان شیعه‌مذهب فاطمی، دولت اغلییان را بین ۲۹۳ تا ۲۹۷ ق/ ۹۰۵ تا ۹۰۹ شکست داده و بیشتر قرن چهارم را بر تونس حکمروایی کردند و در ۴۶۶ ق/ ۱۰۷۳ به سوی قاهره حرکت کردند. با وجود این، در آن زمان شیعیان اقلیت کوچکی بودند و هم اکنون نیز هیچ جامعه شیعی در تونس وجود ندارد. حنفیها اقلیتی کوچک ولی ممتاز، شامل خاندان بای^۳، را در تونس شکل داده‌اند. تقریباً تمامی آنها از نسل ترکیه‌ای هستند که مذهب حنفی را به تونس آورده‌اند (یا چنین ادعایی دارند). این ترکیه‌ای‌ها کسانی بودند که در وهله نخست به واسطه حاکمیت خود و سپس از طریق فن‌کشورداری
- «اقتصاد مناصر ترکیه»؛ دوران قرن بیستم، با تأکید بر دهه ۱۹۸۰.
9. Hopkins, Anthony G. *An Economic History of West Africa*. London 1973.
- «تاریخ اقتصادی غرب آفریقا»؛ این اثر با تأکید بر تجارت، از جمله تجارت برده و تجارت از طریق صحرا، حکومت‌های استعماری را با یکدیگر مقایسه می‌کند.
10. Issawi, Charles, ed. *The Economic History of the Middle East, 1800-1914*. Chicago 1966.
- «تاریخ اقتصادی خاورمیانه، ۱۸۰۰-۱۹۱۴»؛ شامل مقالات و گزارش‌های مهم، از جمله مواردی که از زبان‌های دیگر ترجمه شده است.
11. Issawi, Charles, ed. *The Economic History of Iran, 1800-1914*. Chicago 1971.
- (تاریخ اقتصادی ایران، عصر قاجار، ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق، ترجمه یعقوب آژند)؛ شامل بسیاری از گزارش‌های مناصر.
12. Issawi, Charles. *An Economic History of the Middle East and North Africa*. New York 1982.
- «تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ بهترین مقدمه کلی که دوران سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۸۰ را در بر می‌گیرد.
13. Landes, David. *Bankers and Pashas*. Cambridge, Mass., 1958.
- «بانکداران و پاشاها»؛ شرحی آموزنده از بانکداری غربی در خاورمیانه قرن نوزدهم.
14. Lim, Chong-Yah. *Economic Development in Modern Malaya*. New York 1967.
- «توسعه اقتصادی در مالایای مناصر»؛ این اثر تجارت، پول، قیمت‌ها و توسعه کشاورزی را مورد تأکید قرار می‌دهد.
15. Mitchell, Brian R. *International Historical Statistics: Africa and Asia*. New York 1982.
- «آمارهای تاریخی جهان: آفریقا و آسیا»؛ مشتمل بر اطلاعاتی درباره تجارت، جمعیت، تولید، مالیات و حمل‌ونقل از حدود ۱۸۰۰ به بعد.
16. Papeorgiou, Demetris, Michael Michaely, and Armeane M. Choksi. *Liberalizing Foreign Trade* 7 vols. Cambridge, Mass., 1991.
- «آزادسازی تجارت خارجی»؛ شامل تاریخچه مبسوط